

# زن در نگاه محمد!

نادره افشاري

از ديگر اسناد مستند و معتبر اسلامي، نهج الفصاحه (1) است که کتابي است در رديف نهج البلاغه ي علي ابن ابيطالب و «مجموعه ي کلمات قصار، خطبه ها و تمثيلات حضرت رسول اکرم» را در برمي گيرد. جمع آوري و ترجمه ي اين کتاب را شادروان ابوالقاسم پاينده به عهده داشته است. پاينده (1278 - 1363) متولد نجف آباد اصفهان است. مقدمات عربي و علوم مذهبي و فلسفه را در اصفهان فراگرفت و در همين دوران با زبان فرانسه نيز آشنا شد. پاينده در سال 1312 خورشيد ي به تهران آمد و در سازمان هاي مختلف از جمله فرهنگستان ايران به کار پرداخت. چندي هم نماينده ي مجلس شوراي ملي و مدتي هم رئيس اداره ي راديو و تبليغات بود. در سال 1321 نامه ي هفتگي صبا را بنياد گذاشت که تا سال 1330 انتشار مي يافت. پاينده در سال 1344 به نمايندگي ايران در کنفرانس اسلامي مکه شرکت کرد. ترجمه ي قرآن مجيد، زندگاني محمد، نهج الفصاحه، تاريخ سياسي اسلام، تاريخ عرب، تمدن اسلام، التنبيه و الاشراف، مروج الذهب، علي ابر مرد تاريخ، تاريخ طبري و... از جمله کارها و ترجمه هاي اوست. براي اين بخش از کتاب، از ترجمه ي نهج الفصاحه ي اين مترجم و نويسنده ي پرکار اسلامي استفاده کرده ام. ويژگي اين کتاب در اين است که تمام گفته هاي محمد را در دو زبان عربي و فارسي در برابر هم چاپ کرده است، و آثاني که کمي هم به زبان عربي آشنا باشند، مي توانند درستي ترجمه ها را خود به چشم ببينند. (2)

نهج الفصاحه شامل 3227 جمله ي کوتاه يا تقريباً کوتاه است که پاينده از آن ها به عنوان کلمات قصار نام برده است. در ادامه ي کتاب، بخشي به خطبه هاي محمد و بخشي هم به تمثيلات او اختصاص داده شده است. در مجموع 3227 کلمه ي قصار 157 بار از زنان صحبت شده است که عموماً بر روي اين محورها تنظيم شده است: اسارت زنان در خانه ي مردان، مکر و شيطنت عموم زنان، لزوم پرهيز از زنان بد و خوب، وجوب اطاعت زنان از مردان؛ حتا اگر اين مردان ستمگر باشند، و در نهايت سجده در مقابل مردان، اگر خدائي نمي بود، يا اين گونه که هست نمي بود.

زنان اساساً از اهالي دوزخ هستند و بيشترين ساکنان جهنم را تشکيل مي دهند. به اعتقاد پيامبر اگر جهاني بدون زنان ساخته مي شد، مردان آسان تر مي توانستند به بهشت بروند. اين نمونه ها، استنتاج من از کلام خود محمد است. اکنون مي پردازم به بررسي کوتاهي در اين کتاب و نگاهی به دیدگاه محمد در مورد جماعت زنان! (3)

اولین نقل قول‌ها در رابطه با «نقش طبیعی» زنان در خانه‌ی «مردان» است و این‌که زنان در این خانه‌ها اسیر و زندانی هستند و بر مردان است که کمی هم به این اسرا «توجه» کنند: «در باره‌ی زنان از خدا بترسید که آن‌ها پیش شما اسیرند.» (ش 45، ص 163)

پرهیز از زنان در دیدگاه محمد جایگاه ویژه‌ای دارد: «از دنیا بترسید و از زنان بپرهیزید؛ زیرا شیطان، نگران و در کمین است و هیچ‌یک از دام‌های وی [شیطان] برای پرهیزگاران مانند زنان مورد اطمینان نیست» (ش 50 ص 164)

محکم‌ترین سلاح شیطان هم زنان هستند. (ش 970، ص 350) به همین دلیل و هزارها دلیل دیگر مبنی بر مکر زنان، ای مردان مسلمان، بر شما واجب است که: «از بی‌لباسی برای نگه داری زنان [در خانه] کمک جوئید؛ زیرا زن وقتی لباس فراوان و زینت کامل دارد، مایل به بیرون رفتن است.» (ش 282 ص 209) با زنان هم اساساً نباید گفت‌وگو کرد؛ چرا که هرگاه مردی با زنی خلوت کند، حتماً قصد او می‌کند. (ش 1004، ص 356)

تاکیدهای دیگری هم بر عریان نگه داشتن زنان شده است. «اعرو والنساء یلز من الحجال. زنان را بی لباس بگذارید تا در خانه‌ها بمانند.» (ش 343، ص 220)

هر زنی که بدون اجازه‌ی شوهرش از خانه بیرون برود، مورد خشم خداست تا به خانه برگردد، یا شوهرش را راضی کند. (ش 1020، ص 359) در همین رابطه، محمد، زنانی را که از خانه‌های خود، دامن کشان برای شکایت از شوهرهاشان بیرون می‌روند، دشمن می‌دارد. (ش 960، ص 348)

فتنه‌ی اساسی برای مردان مسلمان این است که زنانشان زینت و آرایش کنند، عطر بزنند، و با لباس‌هایی فاخر، پا به معابر عمومی بگذارند! «فتنه‌ی سخت را دیدید و صبر کردید و من از فتنه [ای] سخت‌تر بر شما بیم دارم که از طرف زنان می‌آید؛ هنگامی که انگوی طلا به دست و پارچه‌های فاخر به بر [می]کنند...» (ش 314، ص 215)

از هیچ فتنه‌ای که خطرناک‌تر از زن و شراب باشد، بر امت خویش بیم ندارم. (ش 2611، ص 694)

زنانی که آرایش می‌کنند، عطر می‌زنند و به معابر عمومی پای می‌گذارند، حکم زناکاران را دارند. اگر زنی خود را معطر کند و بر مردمی بگذرد که بوی او را دریابند، زناکار است. (ش 177، ص 188) و (ش 1019، ص 359) زنی هم که برای کسانی جز شوهرش، بوی خوش بکار می‌برد، مایه‌ی آتش و ننگ و عار است. (ش 188، ص 190)

هر چشمی زناکار است و زن وقتی خوشبو شود و بر انجمنی بگذرد، زناکار است. (ش 2157، ص 611)

بهترین عطر مردان آنست که بویش عیان و رنگش نهان باشد. و بهترین عطر زنان آن است که رنگش عیان و بویش پنهان باشد. (ش 1516 ص 471)

قیمت گذاری روی زنان هم بر اساس زیبایی بیشتر، خرج کمتر، مهریه‌ی سبک‌تر و اطاعت بیشتر انجام گرفته است: «بهترین زنان، آن است که رویش خوب‌تر و مهرش کمتر است.» (ش 356، ص 222)

«از همه‌ی زنان پر برکت‌تر آنست که خرجش کمتر باشد.» (ش 357 صص 222 تا 223)

«نشان میمنت زن این است که خواستگاریش آسان و مهرش سبک باشد.» (ش 929، ص 342)

بهترین زنان هم زنی است که با تن و مال خود از شوهرش فرمان می‌برد و برخلاف رضایت او کاری نمی‌کند. (ش 1504، ص 469)

باز هم «بهترین زنان شما زن عقیق راغب است که در ناموس خود عفت، و به شوهر خود رغبت داشته باشد.» (ش 1534، ص 475) عفت هم زینت زنان است. (ش 2008، ص 579)

در رابطه با لزوم تحمل مردان، در هر شرایطی آمده است که اگر مردی هیچ خیری به زنش نرساند، مهم نیست، ولی اگر زنی در رابطه با بی‌خیری شوهرش اعتراضی بکند، تمام اعمال نیکش بی‌اثر می‌شود. (ش 226 ص 198)

وقتی امرای مسلمانان، اشرار باشند و کار مسلمانان به دست زنان بیفتد، شکم زمین [قبر] برای مسلمانان بهتر از پشت زمین است. (ش 232 صص 198 تا 199) به بیان امروزی‌تر: اگر کار مسلمانان به دست زنان بیفتد، بهتر است که مردان بمیرند و نسلشان از روی زمین کنده شود، تا به این تنگ تن دردهند و کارهاشان را به زنان بسپارند.

«پس از من برای مردان، فتنه‌ای زیان‌انگیزتر از زنان نخواهد بود.» (ش 2572، ص 678)

گروهی که زمام کار خویش [را] به زنی سپارند، هرگز رستگار نشوند. (ش 2294، ص 639)

«گروهی که زمامدارشان زن است، رستگاری نبینند.» (ش 2551 ص 683)

هیچ زنی اجازه ندارد جز در خانه‌ی شوهر و اربابش، شبی را به روز آورد، چرا که فرشتگان در تمام مدتی که زن بیرون از خانه به سر می‌برد، به لعن و نفرین زن مشغولند. وقتی زنی دور از بستر شوهر خود شب را به روز آورد، فرشتگان تا صبح [یا تا وقتی که زن به خانه برگردد] او را لعنت کنند. (ش 187، ص 190)

نماز و روزه‌ی زنی که از شوهرش اطاعت نمی‌کند، از سر و گردنش بالاتر نمی‌رود. نمونه‌ای از این تهدیدات پیامبر به این صورت تئوریزه شده است: دو کسند که نمازشان از سر هاشان بالاتر نمی‌رود، بنده‌ای [برده‌ای] که از آقایان [اربابان] خود گریخته باشد، و زنی که شوهر خود را نافرمانی کرده باشد. (ش 54، ص 165)

سه کسند که نمازشان از گوش هاشان بالاتر نمی‌رود: بنده‌ی فراری تا بازگردد، و زنی که شب بخوابد و شوهرش بر او خشمگین باشد و... (ش 1222، صص 402 تا 403)

سه کسند که از آن‌ها سخن مگویی... کنیز یا بنده‌ای که از آقای خود گریخته و در حال گریز مرده باشد. و زنی که شوهرش از او دور باشد و مخارج او را بپردازد و او در غیبت شوهرش آرایش کند. از آن‌ها سخن مگویی! (ش 1224، ص 403) و (ش 1233، ص 405) یکی از مایه‌های خوشبختی مرد، زن پارسایی است که دیدارش مرد را مسرور می‌کند و چون مرد غیبت کند، او را بر حفظ عفت خویش امین بداند و... یکی از مایه‌های بدبختی مردان این است که زنان زبانی دراز داشته باشند و بر حفظ عفتشان امین نباشند، و زنانی که مرد را به رنج دراندازند. (ش 1242، ص 408)

سه نفر هم هستند که دعاهایشان مستجاب نمی‌شود: یکی از این سه تن، مردی است که زنی بد اخلاق دارد و طلاقش نمی‌دهد... (ش 1253 ص 413) سه چیز از نعمت‌های اساسی دنیا است: زن پارسا و... (ش 1289 ص 425)

محمد در نهایت معتقد است که: زنان، دام شیطانند. (ش 1792 ص 534)

دشمن‌ترین دشمن مردان، همسران ایشانند: «خطرناک‌ترین دشمن تو همسر توست که با تو هم‌خوابه است و مملوک تو» (ش 339، ص 220)

بیشترین اهالی جهنم هم زنانند: «در جهنم نگریم و دیدم که بیشتر مردمان آن زنانند.» (ش 331، ص 219)

ان اقل ساکنی الجنه النساء. کمترین ساکنان بهشت زنانند. (شماره 603 ص 274) همان تعداد اندکی از زنان هم که به بهشت می‌روند، زنانی هستند که بر اساس فرامین اسلامی، شوهرانشان را کاملاً از خود خشنود می‌کنند، بعد جان می‌سپارند! (ش 1022، ص 359)

بدترین زنان شما آرایش کنان و متکبرانند و آنان منافقانند و از آن‌ها جز به اندازه‌ی کلاغی که خط سفید برگردن دارد، به بهشت نمی‌روند.» (ش 1535، ص 475)

اگر زن نبود، مرد به بهشت می‌رفت. (ش 2358، ص 653)

اگر زنان نبودند، خدا چنان که شایسته‌ی پرستش اوست، پرستیده می‌شد.» (ش 2361، ص 653)

النساء حباله الشيطان، زنان، دام‌های شیطانند. (ش 3153، ص 789)

وای بر زنان از دو چیز، طلا و جامه‌ی زیبا!« (ش 3190، ص 796)

زنانی که بدون دلیل موجهی طلاق می‌خواهند، بوی بهشت بر ایشان حرام است. (ش 1021، ص 359)  
لازم به تأکید است که خشونت، کتک زدن، هوو آوردن، خرجی ندادن و... دلایل موجهی برای طلاق نیستند!

«زنان باردار فرزندان دار و شیرده، که با فرزندان خود مهربانند؛ اگر رفتاری که با شوهران خود می‌کردند [نبود] نمازگزارانشان به بهشت می‌رفتند.» (ش 1340، ص 437)

مردان بر زنان حقوقی دارند و زنان در برابر مردان تکالیفی: «حق شوهر بر زن آن است که بدون اجازه‌ی او، جز روزه‌ی واجب نگیرد و اگر گرفت گناهکار است [و از او] نپذیرند. و بدون اجازه‌ی او [مرد] چیزی از مال او را به کسان ندهد. اگر داد ثوابش از شوهر و گناه [آن] از زن است. و از خانه‌ی او [مرد] بی‌اجازه بیرون نرود و اگر رفت خداوند و فرشتگان غضب، او را لعنت کنند، تا توبه کند یا بازگردد؛ اگر چه شوهرش ستمگر باشد!» (ش 1388، صص 445 تا 446)

«حق شوهر بر زن آنست که از بستر او [مرد] دوری نگیرد و... فرمائش را اطاعت کند و بی‌اجازه‌ی او بیرون نرود و کسی را که [مرد] دوست ندارد، به خانه‌ی او [مرد] نیاورد.» (ش 1389، ص 446)

اگر زن، حق شوهر [را] بداند، هنگام ناهار و شام او ننشیند تا فراغ یابد. (ش 2318، ص 644)  
خانم‌های مسلمانی که با همسرانشان سر یک میز یا سر یک سفره می‌نشینند، یا با ایشان در رستورانی غذا می‌خورند، به این فرمان پیامبر توجه داشته باشند!

«خدا ملاحظه‌گر را لعنت کند؛ یعنی زنی که شوهرش به بسترش خواند و گوید: " کمی بعد " تا خوابش ببرد.» (ش 2237، ص 628)

در رابطه با اجبار به زندگی با يك مرد، حنا اگر ستمگر باشد، چند بار تاکید شده است که خداوند زناني را که چند بار شوهر مي‌کنند، و به همان اولي - اگر چه خيري هم نداشته باشد - پسندده نمی‌کنند، دوست نمی‌دارد. (ش 714 ص 299) و (ش 1146، ص 383) زناني که بدون حضور شاهد شوهر مي‌کنند، زناکارند. (ش 1112، ص 376) متأسفانه در این بحث، تکلیف مرداني که بی‌حضور شاهد زن مي‌گیرند، مشخص نشده است!

گاه نوعي تبعیض نژادي در کلمات محمد به چشم مي‌خورد. مثلاً: «براي نطفه‌هاي خود جاي مناسبی انتخاب کنید و از سیاهان بپرهیزید [چرا] که سیاهي رنگ زشتي است.» (ش 1133، ص 381) «زن آزاد مایه‌ي اصلاح خانه است و زن بنده [کنیز] موجب فساد خانه است.» (ش 1404، ص 449)

در رابطه با پتانسیل گمراه شدن مردان توسط زنان، نمونه‌ي تاریخي [!] جالبی در رابطه با یهودیان نقل شده است: «از زنان بپرهیزید، زیرا نخستین گمراهي یهودان در خصوص زنان بود.» (ش 538، ص 262)

نشانه‌هاي خوشبختي مردان هم چهار چیز است که مهم‌ترینش داشتن زن یا زناني است که به ناموس و مال مردان خیانت نمی‌کنند. (ش 259 ص 204) دو ردیف بالاتر از این کلمه‌ي قصار، بر چهار نشانه‌ي خوشبختي تاکید شده است: خوشبخت‌ترین مردان، مردی است که زني پارسا [زوجه‌ي صالحه] داشته باشد. (ش 257، ص 204) از زنان بد باید به خدا پناه برد و از زنان خوب هم باید بپرهیز کرد. (ش 279، ص 209) زنان هم اغلب به صورت شیطان می‌آیند و به صورت شیطان می‌روند. (ش 821، ص 320) زنان از دنده‌ي خلق شده‌اند که به هیچ‌وجه راستی‌پذیر نیست. (ش 823، ص 321) هیچ مردی نمی‌تواند کجی زنان را که ناشی از خلقت ایشان است، راست کند. (ش 825، ص 321)

فرمان بردن زنان از مردان هم، بهترین گنجینه برای مردان است:

«می‌خواهی تو را از بهترین گنجینه‌ي مرد خبر دهم؟ زني پارسا که وقتی بدو نگرده مسرور شود، و همین‌که بدو فرمان دهد، اطاعت کند و هنگام غیبت [مرد] امانت او را [عفتش] محفوظ دارد.» (ش 460، ص 241)

بجز خوشبختي‌هاي بالا، مردان باید از سه بلا به خدا پناه ببرند که یکی از این بلايا همسر بد است که: «اگر پیش وي باشي، بد زباني کند، و اگر پیش وي نباشي، به تو خیانت کند.» (ش 1163، ص 387)

در مورد ثواب‌هایی که برای زنان در نظر گرفته شده، خشنودي مردان از ایشان و شیر دادن به کودکان و در خانه به عبادت مشغول شدن است.

اي زنان «آيا خشنود نيستيد كه وقتي يكي از شما از شوهر خود آستن است و شوهرش از او خشنود است، ثواب كسي را دارد كه روز روزه گيرد و شب براي عبادت خداي بپا خيزد و هنگامي كه بار مي گذارد، هر جرعه اي كه از شير او درآيد و هر دفعه كه پستان او مكيده شود، براي هر جرعه شير و هر مكيده شدن پستان ثوابي دارد و اگر براي مراقبت طفل خود شب بیدار ماند، پاداش او چنانست كه هفتاد بنده را در راه خدا آزاد کرده باشد؟» (ش 534 ص 260)

از ديگر ثواب هايي كه خدا براي زنان در نظر گرفته است، و آن را با رنج شركت در جهاد برابر دانسته، صبر بر رنج هووداري است: «خداوند رنج هوو داري را نصيب زنان و جنگ را قسمت مردان قرار داد. هر زني كه از روي ايمان و در انتظار پاداش خدا، بر رنج هوو داري صبر كند، ثواب شهيد را دارد.» (ش 710، ص 298) يكي ديگر از ثواب هايي كه براي زنان مومنه نوشته مي شود، زني است كه شوهرش بميرد و «وي گويد [كه] من با وجود يتيمان خود شوهر نمي كنم.» (ش 1220، ص 402)

زنان هم دو پرده دارند: قبر و زناشويي. (ش 2270، ص 634)

جهاد زنان، شوهرداري خوب است. (ش 1403، ص 449)

«بهترين مسجد زنان، كنج خانه ي آنهاست.» (ش 1532، ص 474)

«نمازي كه زن، در تاريخ ترين گوشه ي خانه ي خود كند، از همه ي نمازهاي او نزد خدا محبوب تر است.» (ش 2588، ص 690)

«اينكه زن در اتاق خويش نماز كند براي او بهتر است تا در ايوان خويش نماز كند، و اينكه در ايوان خويش نماز كند، بهتر است تا در صحن خانه نماز كند، و اين كه در صحن خانه نماز كند، براي وي بهتر است تا در مسجد نماز كند!» (ش 2207، ص 622)

«نماز زنان، تنها، بيست و پنج بار از نماز جماعت بهتر است.» (ش 1848، صص 545 تا 546) احتمالاً زنان اسلامي اي كه در نمازهاي جمعه و جماعت شركت مي كنند، از اين ثواب عظيم 25 برابر اطلاعي ندارند؛ وگرنه در خانه هاشان مي مانند و «تنها» نماز مي گزارند!

اگر به كسي دستور مي دادم كسي را سجده كنند، به زن دستور مي دادم شوهرش را سجده كند. (ش 2348، صص 650 تا 651)

«اگر به كسي دستور مي دادم كسي را سجده كند، به زنان دستور مي دادم شوهران خويش را سجده كنند، از بس كه خدا براي شوهران حق به گردن زنان نهاده است.» (ش 2349، ص 651) (بدون شرح)

«مشاغلي که محمد براي زنان در نظر گرفته است، کارهايي است که ايشان را هرچه بيشتر در خانه‌ها زنداني مي‌کند: «بهترين سرگرمي زن، دستگاه نخريسي است.» (ش 1527، ص 437)

«فرزندانتان را [پسرانتان] را شنا و تيراندازي بياموزيد و زنان را نخ رشتن!» (ش 1954، ص 567)  
چرخ ريسي هم براي زن مومن در خانه‌اش سرگرمي خوبي است. (ش 1955، ص 568)

«اي زنان [هريك از شما با اشتغال در خانه‌ي خويش، اگر خدا بخواهد، ثواب مجاهدان [را] خواهد [خواهيد] يافت.» (ش 2892، ص 746)

در جمع‌بندي نهايي: «حكاييت زن پارسا در ميان زنان، چون كلاغ نشاندار است که يك پاي آن سفيد باشد.» (ش 2731، ص 719) من متاسفانه از اين جمله چيز زيادي دستگيرم نشد. احتمالاً حضرت به توك نمود بودن زن پارسا - حتا در ميان زنان مسلمان - نظر داشته است!

در نهايتِ تاممي اين تبويض‌ها حضرت محمد باز هم معتقد است که: «من اگر کسي را برتري دادمي، زنان را برتري دادمي!» (ش 1728، ص 520)

پانوشتها

- نهج الفصاحه، مجموعه‌ي کلمات قصار حضرت رسول الله اکرم (ص) انتشارات جاويدان، چاپ سوم، 1377، تهران، ترجمه‌ي ابوالقاسم پاينده

- براي اين زندگي‌نامه کوتاه از شرح داخل جلد کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر ابوالحسن علي بن حسين مسعودي استفاده شده است.

- اعداد سمت راست داخل پرانتز، شماره‌ي جمله‌ي قصار و عدد سمت چپ، صفحه‌ي کتاب است